

نواندیشی در روابط اجتماعی

پولین رأفت

در سخنرانی‌های امروز نقش افراد و خانواده‌ها در ایجاد فرهنگی نوین و ارزش‌هایی جدید، مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی موضوع نواندیشی در روابط اجتماعی باید تأکید نمود که این روابط بر اساس همین ارزش‌های نوین و والای انسانی قرار می‌گیرد. یعنی بدون وجود حس انصاف در افراد و اجرای عدالت در امور خانواده، ایجاد عدالت اجتماعی که اساس صلح و آرامش عالم بشری است ممکن نمی‌باشد و بدون تکامل راستی و درستی در اخلاق افراد انسانی، زدودن فساد از جامعه انسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. برای ساختن یک قصر طلائی باید از آجرهای طلائی استفاده نمود. ولی باید متذکر شد که انبوهی از آجرهای طلائی برای ساختن قصر طلائی کفایت نمی‌کند. باید نقشه‌ای در کار باشد و ترتیب خاصی در ساختمان این قصر رعایت شود.

موضوع روابط اجتماعی، بسیار وسیع و شامل جوانب زیادی می‌باشد:

اول: این جامعه نوین بر چه اصول و ارزش‌هایی قرار خواهد گرفت؟

دوم: اداره امور این اجتماع نوین بر اساس چه نظامی استوار می‌گردد؟

سوم: مسئولیت مؤسسات و تشکیلات این نظام در قبال شهروندان و جوامع محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و روابط متقابل آنان، چگونه خواهد بود؟

اصل اول و پایه‌ای جامعه نوین انسانی، اصل یکپارچگی و یگانگی عالم بشری است. یعنی همانگونه که پیکر انسان، واحدی است متشکل از اعضاء و جوارح گوناگون که در نهایت نظم و ترتیب با یکدیگر همکاری می‌کنند و زندگی هر جاننداری وابسته به این تعاون و همکاری است، جامعه انسانی نیز متشکل از افراد و اقوام گوناگون، رنگ‌ها و زبان‌های مختلف، باورها، فرهنگ‌ها و سنن متفاوت می‌باشد. آینده و بقای این کره خاکی و زندگی بشر و سایر جانداران این سرزمین واحد، بستگی به یگانگی و همکاری نوع بشر در جمیع امور این اجتماع انسانی دارد.

بنا به سروده سعدی:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

و در این دور حضرت بهاءالله می فرماید:

«ای اهل عالم، سراپرده یگانگی بلند شد. به چشم بیگانگان یکدیگر را مینید. همه باریک دارید و برگ یک شاخسار». (۱)

همین یک اصل، شامل جزئیات مفصل دیگری است، از جمله طریق ایجاد و حفظ صلح در تمام دنیا، لزوم پارلمان و حکومت جهانی، لزوم زبان و خط مشترک، خلع سلاح عمومی، واحد پول مشترک، تنظیم سیستم اقتصاد جهانی، ازاله فقر، بیسوادی و تعصبات نژادی، مذهبی، ملی و طبقاتی، تدارک تعلیم و تربیت عمومی برای همه افراد بشر و اشتراک زنان در جمیع سطوح اجتماع.

اصل دوم که از ارزش های لازمه برای ایجاد یک جامعه نوین می باشد، اصل برابری همه انسان ها و تساوی حقوق مدنی آنهاست. یعنی هر فردی از افراد جامعه از هر جنس، طبقه، نژاد یا باور و آئین باید از حقوق مساوی برخوردار باشد تا ریشه ظلم و تبعیض و سرکوب اقلیت ها برافتد و عدالت اجتماعی که پایه و اساس لازم برای ایجاد صلح در عالم است، مستقر گردد. در تاریخ بشر متأسفانه عکس این اصل، حاکم بر جوامع انسانی بوده است. از تعدی و ظلمی که نسبت به بردگان و رعایا اعمال می شده تا تبعیض نسبت به زنان، سیاه پوستان، دگراندیشان، یهودیان، کولی ها، اقلیت های ملی، مذهبی، نژادی، طبقات پائین هندی Lower Castes و غیره، همه حاکی از حکومت ظلم بر جوامع انسانی می باشد. نیمی از ساکنان کره ارض یعنی زنان در سراسر دنیا مورد تبعیض و ظلم دائمی بوده و هستند.

در آثار بهائی آمده است که تا عدالت در عالم مستقر نگردد صلح جهانی ممکن نخواهد بود. متأسفانه در دنیای امروز قشر وسیعی از جامعه بشری در فقر و محرومیت مفرط بسر می برند و اقلیت

کوچکی از مردم دنیا از جمیع مزایا و امکانات مادی و علمی برخوردارند. آیا با چنین بی‌عدالتی می‌توان توقع برقراری صلح و آرامش در جهان را داشت؟

اصل سوّم، برای ایجاد یک جامعه نوین، اصل مشورت در روند تصمیم‌گیری در اداره امور ملت است. تا به حال اداره امور جامعه یا به صورت دیکتاتوری سلاطین و ملوک مستبد و یا متولیان دینی و مذهبی بوده و یا اعمال نفوذ توسط صاحبان ثروت یا ابرقدرت‌های نظامی که با کنترل رسانه‌های جمعی و مؤسسات آموزشی و فرهنگی، بر افکار و عقاید توده‌های مردم حکومت می‌کرده‌اند. حتی می‌بینیم در کشورهای به اصطلاح دموکراسی، چگونه ثروت و نفوذ صاحبان قدرت در تعیین سرنوشت جوامع، از نتیجه انتخابات گرفته تا تصمیمات در مورد قوانین ملی و حتی بین‌المللی دخیل می‌باشد.

آنچه که در آثار بهائی در مورد روش اداره امور ملت ذکر شده، نوش دارویی است برای درمان امراض جامعه بشری. در این دور جدید، حکمفرمایی علمای دینی و مذهبی و دخالت آنها در امور سیاسی برای همیشه برافتاده. حضرت بهاءالله در کتاب اقدس که منشوری برای مدنیت جهانی محسوب می‌شود، شوراهای انتخابی را مرجع تصمیم‌گیری و اداره امور جامعه در هر دهکده و شهر و قصبه و مملکت، تعیین فرموده‌اند و این شوراها را بیت العدل تسمیه نموده‌اند. مسئولیت وجدانی اعضاء انتخاب شده در این محافل، از جمله ایجاد وحدت و یگانگی در جامعه، حفظ و حراست همه افراد جامعه، بنیانگذاری مؤسسات علمی، آموزشی و سلامتی برای پیشرفت همگان، ازاله فقر، حمایت از افراد ناتوان و کودکان بی‌سرپرست، ترویج علم، هنر و فرهنگ و غیره می‌باشد. طریق اخذ تصمیمات در مورد امور جامعه، توسط مشورت خالصانه و بی‌طرفانه است. این شوراها که در حال حاضر به نام محافل روحانی شناخته می‌شوند، پیش درآمد مؤسسات عظیم‌الشان آتیه می‌باشند. این مشورت فقط در بین اعضاء این محافل محدود نمی‌شود، بلکه تا حد امکان باید با مشورت با اعضاء جامعه، با متخصصین، دانشمندان، هنرمندان و متفکرین انجام گیرد تا تصمیمات بر اساس محکم و متین و پایه‌ای گسترده استوار شود. اینجاست که اهمیت نقش باور معنوی و روحانی معلوم می‌شود. زیرا چنین مسئولیت خطیری که لازمه‌اش انصاف، پاکی نیت، افتادگی، هوشمندی، حس فداکاری، وارستگی و خردمندی می‌باشد، فقط توسط وضع قانون یا کسب علوم و فنون ممکن نمی‌باشد. عشقی والاتر از حب نفس یا ریاست و

یا حبّ مقام و وطن، باید محرک قلب و روح انسان باشد تا بتواند شرایط هنر مشورت و زمامداری امور ملت را به منصه ظهور رساند.

در آثار حضرت عبدالبهاء، شرایط نفوسی که در این شوراها انتخاب می‌شوند چنین توصیف گردیده:

«اول فریضة اصحاب شور، خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از ماسوی الله و انجذاب به نفحات الله و خضوع و خشوع بین احبّاء و صبر و تحمّل بر بلا و بندگی عتبه سامیه الهیه است و چون به این صفات موقّق و مؤیّد گردند، نصرت ملکوت غیب الهی احاطه نماید». (۲)

خلوص نیت، انقطاع، خضوع، صبر و تحمّل و بندگی و عبودیت از جمله این شرایط است. دیگر شرائطی که ذکر شده، برکناری از جاه طلبی و تعلق به دنیاست. در دنیای امروز، شاهد خصائص سیاستمداران، رؤسای امور و زمامداران مذهبی هستیم. عطش قدرت و مقام ریاست و ثروت، بزرگترین انگیزه اکثریت مسئولین امور است. سیاست‌های امروزه چه در شرق و چه در غرب، عبارت از کشمکش‌های مهلک در میان منافع گروه‌های مختلف است. هنوز روابط اجتماعی بشر، مراحل طفولیت را طی می‌کند. برای وصول به بلوغ اجتماعی و مدینه فاضله، راهی طولانی در پیش است. از جمله آموزه‌های بدیع امر بهائی این است که انگیزه خدمت به عالم انسانی باید جایگزین جاه طلبی و حبّ ریاست و کسب مقام و قدرت و نفوذ و ثروت گردد.

«باید خود را خادم امین حقیقی احباء الله شمرد و نظر را متوجه و حصر در منافع عموم و مصالح امرالله نمایند، نه ناظر به اشخاص و متمسک به مقاصد و مآرب شخصیّه گردند». (۳)

«و همچنین اعضای محافل روحانیه محلی و مرکزی باید از مآرب و منافع و مصالح شخصیّه فردیه خود بیزار و درکنار باشند و نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومیه و پیشرفت جامعه نمایند. در امور مفروضه موکوله، تفحص و تعمق نمایند و به عدل و انصاف حکم فرمایند». (۴)

«زنهار زنهار که طرفداری جاه طلبی و تعلق به دنیا در اداره امور رسوخی نمایند. زیرا به مرور زمان، نورانیت آئین مقدّس را ظلمانی و طهارت و تنزیهش را لکه دار و اثرات عمیقه اش را فلج و معلول خواهد ساخت». (۵)

آیا چنین وارستگی و از خود گذشتگی جز به قوه خرد و عشق حقیقی و نیروی روحانی و معنوی قابل تصور است؟

و اما در مورد روش مشورت، اصول بسیار اساسی و مهمی هست که بدون این اصول، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. اولاً باید اعضاء شورا در نهایت الفت و اتحاد و محبت با یکدیگر رفتار کنند. لازمه این اتحاد و شرط مهم دیگر آن، ابراز آزادانه نظرات و عقاید اعضاء این مجمع در بررسی امور و توجه تام به نظریات سائر اعضاء است.

«باید به نوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی فراهم نیاید و آن این است که حین عقد مجلس، هریک به کمال حریت، رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید. اگر دیگری مقاومت کند، ابتدا او مکدر نشود. زیرا تا بحث در مسائل نگردد، رأی موافق معلوم نشود و بارقه حقیقت، شعاع ساطع از تصادم افکار است. در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد فنعم المراد و اگر معاذالله اختلاف حاصل شود به اکثریت آراء قرار دهند.» (۶)

چقدر این طریق حلّ و فصل امور با روش‌های مجادلات سیاسی امروز تفاوت دارد. در مباحث سیاسی، طرفین بحث مانند بکسورهای داخل رینگ در پی کوبیدن طرف مقابل و پیروزی نظریات و منافع خویش هستند. در مشورت خردمندانه، اعضاء این انجمن در پی یافتن حقیقت و اجرای عدالت و خیر و منفعت عمومی هستند. اعضاء جامعه نیز که انتخاب این نفوس را به عهده دارند، در پی صاحبان ثروت و قدرت و نفوذ مادی نیستند، بلکه متوجه صفاتی چون خرد و دانائی، صفا و خلوص حقیقی، روح خدمت و فداکاری، افتادگی و وارستگی می‌باشند. نتیجه این تعامل بین منتخبین و نمایندگانشان، منجر به ایجاد مؤسساتی می‌گردد که با تدبیر و دانائی، به اداره امور جامعه و پیشرفت روزافزون افراد و نهادهای عام‌المنفعه آن می‌پردازند. در این محافل رئیس و مرئوسی نیست. همه اعضاء مساوی هستند و با نهایت آزادی، بیان نظریات خود می‌نمایند. عضویت در این شوراهای، مقام محسوب نمی‌شود. بلکه خدمت به جامعه بشری است.

نهاد دیگری که نماد ایده‌آل‌های عبادت و خدمت است، مؤسسه مشرق‌الاذکار است. در مرکز این مؤسسه، عبادتگاه عمومی قرار دارد که دره‌ایش به روی همه افراد بشر باز و محلّ عبادت فردی و جمعی و تعمق و نیایش است. در این عبادتگاه، نه کشیشی و آخوندی هست نه منبر و وعظ و خطابه‌ای. دعا و مناجات و آیات و آثار مقدسه از هرکیش و آئینی توسط افرادی که دارای هیچگونه سمتی یا اسم و رسمی نمی‌باشند، به لحن خوش تلاوت می‌شود تا قلوب حاضرین، آکنده از عشق الهی و الهامات غیبی گردد. در اطراف این عبادتگاه عمومی، مؤسسات

عام‌المنفعة انسانی قرار می‌گیرد که برای پیشرفت علم و دانش، هنر و ادب و سلامت و تسکین و دستگیری ضعفا و ناتوانان و کودکان بی‌سرپرست و سالمندان تأسیس گردیده. خدمت در این مؤسسات مفهوم گسترده‌تری از عبادت است. یعنی در امر بهائی عبادت به لفظ اگر با خدمت به نوع توأم نباشد، عبادت حقیقی محسوب نمی‌شود. این است که مؤسسه مشرق‌الاذکار عبارت است از عبادتگاه و مؤسسات تابع آن. اصولاً در آئین بهائی، اشتغال به کار و تحصیل که به منظور خدمت به نوع می‌باشد، عبادت محسوب می‌شود.

«هر نفسی به صنعتی و یا به کسبی مشغول شود آن عمل، نفس عبادت عندالله محسوب». (۷)

چنین نگرشی به کار و حرفه و تحصیل، انگیزه‌ای کاملاً متفاوت از ارزش‌های متداول امروزه افراد و مؤسسات تولیدی و اداری ایجاد می‌کند. یعنی به جای حرص برای منافع گزاف و مقامات عالیه، هدف افراد انسانی و مؤسسات، ایجاد رفاه و آسایش افراد و اجتماعات بشری و عبادت به درگاه باری می‌گردد. می‌توان به مزاح گفت که مؤسسات و کارگاه‌ها تبدیل به عبادتگاه می‌گردد. حل بسیاری از مشکلات اقتصادی مربوط به همین یک آموزه آئین بهائی است.

اصل دیگری که پایه و اساس پیشرفت هر جامعه‌ای می‌باشد موضوع نقش زن در فرهنگ نوین می‌باشد. برای اولین بار در تاریخ ادیان، آئین بهائی برابری مقام زن و مرد و حقوق انسانی و مدنی آنان را جزء اصول پایه‌ای خود اعلان نمود و طریق وصول به این برابری را تعلیم و تربیت صحیح و مشابه قرار داد. در کتاب اقدس که منشور نظام نو و تمدن آینده بشر محسوب می‌شود، حضرت بهاءالله پدران را مأمور به تعلیم و تربیت پسر و دختر خود نمودند و در صورتی که پدر از عهده این مسئولیت برنیاید وظیفه تعلیم و تربیت را به بیت عدل یعنی وکلای مردم واگذار فرمودند. در آثار بهائی بارها و بارها اهمیت برابری رجال و نساء تأکید گشته، ولی نقش زنان فقط محدود به حقوق مساوی آنان نمی‌گردد. بلکه نقش آنان در ایجاد ارزش‌ها و روش‌های نوین در جامعه انسانی و ایجاد صلح و تعلیم و تربیت اولیه اطفال، مهم‌تر از صرف حقوق مساوی آنان است. حضرت عبدالبهاء عالم انسانی را تشبیه به مرغی می‌فرمایند که دارای دو بال است. یک بال زن و یک بال مرد. تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید. می‌فرمایند:

«تا عالم نساء، متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود، فلاح و نجاح

چنان که باید و شاید ممتنع و محال». (۸)

و همچنین می‌فرمایند:

«تا مساوات تامه بین ذکور و اناث در حقوق حاصل نشود، عالم انسانی ترقیات خارق‌العاده

نماید.» (۹)

در پیام صلح، بیت العدل اعظم تساوی میان زن و مرد را یکی از مهم‌ترین وسائل حصول صلح جهانی محسوب می‌فرمایند:

«... فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و متساوی داشته باشند از لحاظ

اخلاقی و روانی، جو مساعدی خلق خواهد شد که در آن صبح صلح جهانی پدیدار گردد.» (۱۰)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«اگر جمعیت نساء، ترقی و اقتدار پیدا نمایند، بسیاری از اموری را که حال از عهده بر نمی‌آیند

جاری و معجزی خواهند داشت... امروز، اعظم مصائب عالم، حرب است. عالم انسانی راحت

نیست و حرب دائمی است. زیرا جمیع دول، مستمراً در تهیه حربند. جمیع اموال صرف حرب

می‌شود... حال چون زنان در این قرن به حرکت آمده‌اند باید این را مدّ نظر داشته باشند تا امر

صلح عمومی ترویج شود. وحدت عالم انسانی ظاهر گردد. فضائل بشر جلوه نماید. قلوب ملل به

هم ارتباط جوید... تعصب دینی و مذهبی برطرف شود...» (۱۱)

مطلب دیگری که فقط در آئین بهائی تأکید شده، اولویت تعلیم و تربیت دختران بر پسران

است. اگر به واسطه شرائطی امکان تحصیل همه اطفال موجود نباشد، باید تربیت دختران را

مرجع داشت و این به واسطه نقش حیاتی دیگری است که مادران در تربیت اولیّ فرزندانشان

دارند. یعنی ایجاد جمیع صفات اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی، علمی و روحانی که قبلاً به

آنها اشاره شده و سلامت جسم و روان و روح اطفال در وهله اول در دست مادران خردمند و

هوشمند و وارسته می‌باشد.

صد و پنجاه سال پیش، وقتی که زنان ایران بیسواد و پرده نشین بودند و حقّ هیچگونه فراگیری

علم و دانش و یا دخالت در امور اجتماع را نداشتند، ذکر چنین آموزه‌ای از معجزات محسوب

است تا چه رسد به اجرای آن در جامعه عقب افتاده و آلوده به تعصبات، جهل و ظلم دوران

قاجار.

معجزه دیگر آن که وقتی مدارس دخترانه توسط جامعه بهائی تأسیس شد، پدران بهائی که در همین جو زن ستیز و متعصب پرورش یافته بودند، حاضر شدند که دختران خود را برای کسب دانش به این مدارس بفرستند و حتی معدودی از آنان برای تحصیلات عالی به دنیای غرب فرستاده شدند. و این به واسطه بیاناتی نظیر این بود:

«تربیت نساء، اعظم و اهمّ از تربیت رجال است. زیرا این دختران روزی مادران شوند و اطفال را مادر تربیت می‌کند. اول معلّم اطفال، مادرانند. لهذا باید در نهایت کمال و علم و فضل باشند... همین طور حضرت بهاءالله وحدت تربیت را اعلان نموده که به جهت اتّحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند رجلاً و نساءً دختر و پسر تربیت واحد گردند.» (۱۲)

وقتی طاهره قرّة‌العین را در چاه می‌انداختند، به روایتی فریاد زد که شما می‌توانید مرا به قتل برسانید، ولی قادر نخواهید بود که مانع پیشرفت و ترقی زنان شوید و این در سال ۱۸۵۲ بود. یعنی قبل از آن که زنان حتی در کشورهای غربی صاحب حقّ رأی باشند. در سرزمینی که حتی امروز عده‌ای از مردم بی‌حجابی زنان را علت خشک شدن زاینده رود می‌دانند و بر چهره آنان اسید می‌پاشند، چنین تهوری در یک زن تنها در بیش از یک قرن پیش، شباهت به افسانه دارد.

اخیراً در نوروز جشن یکصدمین سال دادن حقّ رأی به زنان این کشور برگزار شد و جالب این است که موضوع این سمینار، تکریم طاهره قرّة‌العین و اشعار او بود که به عنوان پیشتاز آزادی زنان توسط ناطقین نوروزی اجرا می‌شد.

بررسی همه جوانب نواندیشی در روابط اجتماعی ممکن نیست. دوستان عزیزی که مایل به مطالعه بیشتر در این موضوع وسیع می‌باشند، می‌توانند به رساله مدنیّه و رساله سیاسیّه اثر حضرت عبدالبهاء، وعده صلح جهانی از طرف بیت‌العدل اعظم، ندا به اهل عالم از آثار حضرت ولیّ امرالله و خطابات حضرت عبدالبهاء در اروپا و آمریکا مراجعه فرمایند. بنا به فرموده حضرت شوقی ربّانی:

«مقصد خداوند چیزی جز این نیست که عصر بزرگ و زرّینی را آغاز کند و جهان را از شرّ درد و رنج و جنگ و ستیز برهاند. اوضاع جهان در این ایّام بسی تاریک است. اما آینده دورش چنان درخشان و چنان پرتوافشان است که اینک تصویرش در این زمان بر صفحه دیدگان ما هرگز نقش نیندد.» (۱۳)

برسد زمان وحدت بکند خدا خدائی

هله عاشقان بشارت که نماند این جدائی

یادداشت‌ها

- ۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، (Baha'i -Verlag)، هوفهایم - آلمان، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۸۶، بند ۱۱۲.
- ۲- اصول نظم اداری بهائی، ص ۱۵، و گلزار تعالیم بهائی، University of Toronto Press Incorporated، ۱۹۹۵، چ ۲، ص ۳۰۸.
- ۳- گلزار تعالیم بهائی، ص ۳۱۲.
- ۴- گلزار تعالیم بهائی، ص ۳۱۲.
- ۵- گلزار تعالیم بهائی، ص ۳۱۳.
- ۶- گلزار تعالیم بهائی، ص ۳۱۰-۳۱۱.
- ۷- مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، لانگنهاین - آلمان، نشر اول، ۱۹۸۰، ص ۱۴.
- ۸- گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۸۳.
- ۹- گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۸۴.
- ۱۰- وعده صلح جهانی، ص ۱۷.
- ۱۱- خطابات عبدالبهاء، ج ۲، ص ۴۴.
- ۱۲- خطابات عبدالبهاء، ج ۲، ص ۱۳۵.
- ۱۳- ندا به اهل عالم، ص ۲۸.